

حرف

شماره ۱۳۴۵ اول مرداد ۱۳۶۰

کودتاچیان حاکم در فکر خیانت ننگین

در جنگ هستند

پیروزی در جنگ با از سر راه برداشتن

خائنین کودتاچی میسراست

چندی پیش روزنامه «جمهوری اسلامی» سناریو «کی ربه عراق نسبت داد مبنی بر اینکه آنها میخواهند بهانه جنگ با اسرائیل غاصب و دفاع کاذب از فلسطین و جنبش خلق فلسطین، پیشنهاد مداخله و سازش بدهند. حال معلوم میگردد که این «سناریو» عراق نیست، بلکه سناریوی خیانت آشکار از طرف حزب جمهوری اسلامی و کودتاچیان حاکم است. هبا هو و جنحالی که

س از حمله، و حیانت است؛ صهیونیستهای اسرائیلی به لبنان از طرف دولت و وزارت امور خارجه، جمهوری اسلامی صورت گرفت، آزادی اسرای عراقی برای جنگ در فلسطین و... همه و همه اجزای این سناریوی خیانت بار هستند. برخلاف دروغ های هر روزه، رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی، هیچگونه پیشرفتی در کار جنگ حاصل نشده است. (در صفحه ۴)

حکومت کودتای حزبی

پوشاکی است

و باید سرنگون شود!

با حرکت کودتاگران، خمینی و علیّه، کامل ارتجاع خیانت پیشه، حاکم بر کلیه ارکان حکومتی نقطه، چرخشی دژسیرتکامل اوضاع سیاسی کشور بوجود آمده است. یک دوره از مبارزات مردم که با پیروزی مرحله ای انقلاب در سهم ۵۷ آغاز شده بود به پایان رسید و دوره، نویسی از مرداد ۶۰ آغاز گردید. تکافی که انتظار مسرعت در میان عناصر متشکله، جمهوری اسلامی سبقت، افتاد. هرگونه عناصر بر دمی و ملی از این جمهوری حذف شد و سیاست زد و بند با برکدورت ها و استعمار جهانی در مناسبات خارجی و سیاست ترور و اختناق و استبداد تئیه مذهبی در مناسبات داخلی بر کشور حاکم گشت. عبارات دیگر تغییرات کمی سابق به یک تغییر کیفی منتهی شده و وضعیت کیفیتا نویسی در کشور بوجود آمده است. مرحله، مبارزات کم و

بیش مسالمت آمیز بر سر حفظ یا چگونگی ادامه، انقلاب ضمن دفاع از موجودیت آن و استقلال کشور در برابر تهاجمات و توطئه های خارجی به سر رسیده و مرحله، مبارزات فخر آمیز برای نجات انقلاب و کشور، که فوری ترین هدف آن سرنگونی قدرت حاکمه، کنونی است، آغاز گردیده است.

دارودسته ای که امروز بنام جمهوری اسلامی بر کشور حکومت میکند هیچ تفاوت با هوئی با دارودسته، سرنگون شده، شاه معدوم و سلطنت طلبان فراری کنونی نداشته و دارای همان خصائل دلاکی و ملاکی (کمپرادوری و فئودالی) است. تنها تفاوت اینکه در راس هیئت حاکمه، جدیدمشتی ملایان خونخوار قرار گرفته اند که بر جای سلطنت عرفی سابق، سلطنت شرعی جدید را نشانده اند و جاهل ترند. (در صفحه ۴)

رفیق تیمور کاویانی تاش

در جبهه آبادان شهید شد

رفیق تیمور کاویانی تاش، یکی از رفقای جوان هوادار اتحادیه کمونیستهای ایران که بر علیه متجاوزین بعثی در جبهه، آبادان می جنگید، مورد اصابت ترکش خمپاره قرار گرفت، و متأسفانه در روز ۸ تیر ماه ۱۳۶۰ در بیمارستانی در شیراز به شهادت رسید. این رفیق عزیز پیش از ۱۹ سال عمر نگردد و از خاک قهرمان بیروز آبادان برخاسته بود. شهادت اس جنیب رفیق جوانی در راه، انقلاب و منهن سیمه، ما سر و توان میبخشد تا مبارزه، خود را بر علیه قاتلان و کشارکنندگان جوانان این مملکت ستم زده و ولادیده، از متجاوزین بعثی تا جلادان حزبی تیزتر کنیم. یاد تیمور عزیز همیشه در دل همسنگرانش باقی خواهد بود.

اخبار از سراسر کشور

تهران

چندی پیش در سه راه زندان دسته ای جمع شده و شعار میدادند که بگومرگ بر شاه! کدام شاه؟ همان شاه حماران، سزرگ عمامه داران!

با سدا ری گفته است که ما دیگر جرئت نداریم با لباس فرم سروم برویم چون ما را می کشند توی خانه ها و سرمان را می برند!!

سرنگون باد حکومت استبداد و خیانت ملی در پرده دین

بقیه از صفحه اول

حکومت...

این دارودسته و خمینی، که در مقام رهبری حرکت کودتا - گرانه آن فرار گرفت، دارای هیچ پایگاهی در میان مردم نیستند. کسی که طی سخنانی حدود یکماه پیش لاف زنان گفته بود: "من خواهم منزوی کرد"، با همان سخنان خودش (امنزوی کرد و بزودی هم میلی محکمی خواهد خورد. مردم ایران در انبوه عظیم خویش با ما رزات پراکنده، اعتراضات گوناگون و همچنین برهرا شرکت در قشوقی های سالوبه ای که امام آنان را بداهت دعوت نکردنشان دادند که سار سردار سر و هشارتر آرنده که مثنی ملای خرد سرو به مال و مقام رسیده و دروغزن و جاش به انقلاب و کشور تصور میکردند، زیر سر خمینی را امروز جز فشرنازکی ارملاکان و بوقوفه خسوران و سرمایه داران دلال پنبه، سوکده ای که بخش عظیم سودهای هگفت دادوستد خارجی و داخلی دو سال وسیع، اخیرا به حب رده و مشتاق محولی برای تحدید فرار داد. های استعماری سابق و هما غوثی با امیرالیهتها هستند، دعا نمیکند. متشکل ترین سازمان سیاسی این قشر حزب جمهوری اسلامی است، که در اشتلاف سنگینی با گروهک های منکوک و آل بیت مدھی و عناصر کره کار و اسبه عرب و شرق علیسه ملت ایران سمرکنده و بدو حاد بلات سورر دنا سا

نومل به وحشیانه ترین شیوه - های ترور و سرکوب مردم و کشتار نیروهای انقلابی و ملی و کنار آمدن با ابرقدرتها و ارتجاع منظمه حاکمیت بیونالی خویش را در شرایط بحران فزاینده اقتصادی و سیاسی موجود حفظ کند.

این حاکمیت بیونالی است زیرا نه دارای طرفداران قابل ملاحظه ای در جامعه است، نه دارای نیروهای مسلح قابل اتکالی میباشد و نه آنکه از پشتوانه مالی و اقتصادی نسبتا محکمی در حال حاضر برخوردار است. تنها پایگاه فعال اجتماعی آن را دستجاتی از اشرار و عناصر فاسد شده طبقات مختلف یعنی اجامروا و باشی طبقه، که برای پول و با اطفاء غرایسز کثیف خویش برای خمینی و ولایتش جا رمیز نشدند و به یک رنگار ملل انقلابیون گورشان را کم خواهند کرد، تشکیل میدهد. همان بحاله های اجتماعی که روری به دنبال شیخ نوری و رور دیگر بدنبال کاشانی و بهبهانی در دو کودتای ضد ملی شرکت جستند و بنام "مردم" جا زده شدند. "حزب الله" کذاشی همینانند.

اما نیروهای مسلح کشور به جز بخش اعظم سپاه پاسداران، که تنها یک نیروی سک نظامی بایدهیجا بآید، بافت منجم و متحدی را برای حکام کنونی تشکیل نمیدهند و بدون شک در برابر مقام مردم بایک جنگ داخلی از هم خواهند پاشید و میان به گرایش درونی آن، یعنی گرایش همکاری با ارتجاع حاکم فعلی، هندستی با ارتجاع سلطنت طلب فراری و همراهی با نیروهای انقلابی و ملی یعنی مردم تعمیم خواهد گشت. هر چه نیروهای انقلابی و ملی سرعتر و فاطما به سر عمل کمندخسی بیشتری از سوده، ارتشی زانته

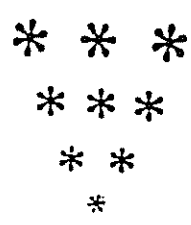
خود طلب سوانند کرد: حال آنکه ضعف و سوردر کار رسرو - های انقلابی و ملی تنها باعث خواهد گشت که با نگاه این نیروها در ارتش بدست سران خود فروخته و احمن های اسلامی نصعیه و نا بود شوند و همچنین عناصر کنسرسی طرف ارتش یا مرعوب حکام کنونی شوند و یا آنکه طلب نیروهای سلطنت طلب و طرفداران کودتای نظامی در ارتش گردند. امکان اخیر بسیار زیاد است زیرا هجوم خمینی و جنایتکاران حاکم امروزه تماما منوجه عناصر انقلابی و ملی است و در نتیجه سکه های سلطنت طلب و همچنین فرماندهانی که سودای یک کودتای نظامی را در سر می پرورانند از این فرصت با خیال راحت استفاده میکنند.

همچنین بحران اقتصاد دی موجود، که با توجه به ادامه بحران سیاسی، ناممکنی احماعی و سیاست های امن الوقانه و جاهلانسه حکومت دانگما شدت میگردد، بیش از پیش ساخت بیونالی حکومت را عریان میکند. هر چند حمرات با اصطلاح نه شرقی و نه غربی طبق روالی که در یکسال اخیر نشان داده اند داسما دست گدائی وسعت به سوی ابرقدرتها ی شرق و غرب و انگلیس و آلمان و ژاپن دراز کرده و با تحدید فرار داد. های صدملی سابق، برار دادهای صدملی جدید، سرار برکردن کالاهای خارجی به بارار ایران و عاقبت اخذ وام از منابع امیرالیهتی میگویند و خواهد گویند بنه، مالی و اقتصادی رابط شور مصنوعی و با اتکاء به بیگانده در حال فروش کشور سعویست کند. لکن بدس نادکی و بدون غلبه بر بحران سیاسی و اتحادیات و اصت برای حاکمیت خویش قادر به خروج از بحران مالی و اقتصادی

کسور سخواهندند و بلکه هر چه سردر عرما آن سرو خواهد رسد. عبارات دیگر سروهای انقلابی و ملی کنور با آنکه بر سرع سرجم خمینی و دزحمان نا جوامردی فرار گرفته اند، با حکومتی سراپا بیونالی روبرو هستند. وحشی گیری و شتابزدگی این بی سرو پاها برای قلع و قمع و کشتار همه، عناصر و حربا نهی مترقی جامعه دلملی بر صفت مفرط و سوحالی بودن آنهاست. آنها پهلوان بنده های میداسی اند که هنر سورا حربا نشان سعی انقلابیون و مهن برستان کشور شمشر هایشان را از نیام بی سرون نکشیده اند. آنکه که برو شمشرهای بران ما را ببینند مثل گ های ترسویی زوزه کشان به هر طرف خواهند گریخت و در میان ملت بزرگ ما، که بی صرا به اسطسار سرامرو حه نندن نعله های دومین میام سلحاه، جوش را میکند، هیچ پناه و پناهاگی هی را نخواهد یافت.

سروکله آمریکایی های تکتبی!
 در عناق نقنی پیداشده

طس حبرونقی ازکی از کارکنان شرکت نفت که در جزیره، لاوان کار میکنند، در جزیره ای در نزدیکی لاوان به نام جزیره، سری ۳۶ نفر کارشناس آمریکائی مسول حفرا هفت هستند. هیچکس خودارنده آنجا برود و روری که یک ایرانی پاش به آنجا رسیده بود، بالولد سوی کمرب زده بودند که مجبور شدند برای معالجه به بران برود.



اخبار

شماره از صفحه اول

جنگ

و بلکه بی از عزل نا جواب مردمانه سی صد از فرماندهی کل فوایدات جمهوری، روحه سربازان و افسران سپهرت شدیداً صریح خورده است. بگیر و بسندهای مهن برسان درون ارتش کدبا حکومت کودتا اعلام مخالفت کرده اند. دساله همان سیاست ارتجاعی حزب جمهوری در جلو گیری از جنگیدن نیروهای انقلابی و مردم در حیطه های جنگ میباشد. این دارنده، نیتنه، است قدرت در دست خود به هر حیاتی دست خواهد زد. همانگونه که حیانت با راه جاسوسان آمریکائی را راهائی داد و مسلمانان را دلار ثروت مردم ایران را هم جاشنی ایمن حاس کرد. بهمان ترتیب برای حفظ قدرت قتاله، خود دست بپرخاست سنگینی در این جنگ خواهد زد. ولیسی همانطور که حیانت ساز در مورد جاسوسان آمریکائی را "سروری" نامید، بهمان ترتیب حیانت در جنگ را "سر در بر بریده" مبارزه در راه فلسطین و "سروری" نخواهد به نظر سرد.

امروز برای دصاع از میان انقلاب، هیچ راهی جز سرنگون ساختن این حکومت کودتاگر، مسیبد و طغیروش که در زیر پرده شرع و دین خود را پنهان کرده است، موجود است. سروری در جنگ است فقط در بر سر و این وطنه، مغزوی امکان بدیست

میباشد و لا غیر. ای مردم ایران! کودتا جیان حاکم صده دستاوردهای خون و اشک و کوشش و جدوجهد شما را قدم بقدم لگدمال میکنند. استبدادی سیاه را بر جامعه مسولسی با حه اندوروری بست که دهها جوان را بدون محاکمه جوخه اعدام نسیرند. خیانت ملی را حاکم کرده اند و روزی نیست که بر علیه استقلال و غرور ملی ایران توطئه نجیبند و باره ای از آن را به یادمانده اند. اکنون هم در پی آن هستند که با صدام وحشی و متجاوزان اربابان امپریالیستش بازند و نتیجه زحمت هزاران جوان ایرانی، سخته خون هزاران شهید جنگی و در سدری میلیونها آواره، جنگ زده را بخاطر حد صافی سسر در قدرت ماندن به زیر پای خود و امپریالیستها لگدمال کنند. این چنین اجازه ای را به آنها ندهید و با برانداختن این حکومت پوتالی و حاشین، انقلاب وسیع را نجات دهید.

۱۳۶۰/۴/۲۸
(اتحادیه کمونیستهای ایران)

مبارزه خاندانهای مسودند. همگامی مگردان سظهارات چهار راه آذری رسد. ناگهان از هر طرف مردم را به کتله میزنند. سواد بسیاری در دست است که این جریان توطئه با سداران بوده است. اولاً تا بوقت حالی بوده و طبق اطلاع موشن حد حالند سرامی ساعت ۹ هجس روز در کورستان دمن نده است. ساییسا اولین سرازوی با سداران و حاشا طلبک شده است و فرما سزار شهر دسورا تن داده است. نالنا سائلیک اولین کتله بگ سزاران با سداران فرما میزند، طلبک نکتید خودی است. بدنیسال این حیانت ارتش و سپاه از مظهرهای استقراران شهر آزیبر آتش میگیرند، مدرسه، محسنی موردا ماست توب فرار میگیرد. در این جریان هشت نفر کشته (۳۰ الی ۴۰ نفر زخمی میشوند. فرماندار و برخی از با سداران و حاشا سزار زخمی میشوند. فرمانداری اطلاعهای دورورا اعلام عزای عمومی میکند.

سندج

۶۰/۴/۱۵ - در این تاریخ در محله، حواله خان سظهارات موضعی از طرف عده ای از هواداران اتحادیه کمونیستهای ایران صورت گرفت. این سظهارات که حدود ده دقیقه طول اسخا میدومسیر چندین کوجه را طی مسودا پخش اعلامیه و شناسار همراه بود و از طرف مردم مورد استقبال سزار گرفت. سظهارات این سظهارات بدینقرار بودند: کورستان اشغالی آزاد میاید گردد، دولت مدملی نا بودیا بدگردد - زندانی سایی آزاد با بدگردد - حزب جماع بدستان با بدیره کورستان - مرگ سر آمریکا، مرگ بر آمریکا.

جنایت و حیانت در جهرم

بدسال درگیری اخیر مردم ساربا مزدوران "حزب الله" در جهرم دو نوجوان دانش آموز هوادار با حاشا هدین، ساهمای شروانی و معدسی سندی زخمی شده و دستگیر مسودند. هر دو را قبل اراسکه به سمارستان برسانند تحت با روحی فرار میدهند. سسندت حراحت شروانی سندی بوده است که سلافا صله او را به اطاق عمل می برند. زمانی که این نوجوان سیهوش بوده و جراحان مشغول جراحی بر روی او بودند، ناگهان ردرا اطاق باز میشود و چند با سدار بداخل می آیند و سگوبیندا و محکوم به اعدام شده و آده ایم تیسر خلاصی را بر نسیم. اعتراض دکتورها و پرستاران به حاشی نمیرسد و این آدمکشان و میحانند تیسر خلاصی را به شفعه او حالی میکنند. دکتور جراح بر اثر دیدن این صحنه تا سروز شوکه بوده است. سسود جوان دوم را سزار از تخب سمارستان با شین میکنند و سراساران سیکند. او که خود حدین زده بود کشته خواهد شد. سب قبل وصیب - نامه خود را سوشد سودوظی آن ارتمام دوسان و سر دیکان خود خواسته بود در این را که چیزی جز سرتگونی ساط اسناد و سوگری ابر قدرت های حزب جمهوری و دولت حاکم نیست ادا می دهند.

اعدام نا جوانان مردانه خانم دهقانی

حدوده هسه قبل حانم روح انگیر دهقانی - خواهر شهید سهرورد دهقانی و اشرف دهقانی و هسرت شهید کاظم سعادت - دستگیر مسودند. تنها جرم وی این بود که بدینار بخش شانه، خانه شان آلسوم عکس و دفتر بلعن آنها را برده بودند. بعد آلسوم عکسشان را بس میفرستند. حانم دهقانی ساتفاق مادرش به داد سزار انقلاب می روند. می پرسند چرا آمده اید؟ سگوبیند دفترچه تلفن را می خواهیم. در جواب می شنوند و لاسخود کرده اند. سانشا دفترچه را با راه کرده ایم. حانم روح انگیز دهقانی در جواب سگوبید که شما بی خود کرده اید دفترچه را با راه کرده اید. سلافا صله سبروده ای سگول سدهد و اینان را سحر موهن!! به نماینده امام رسدای سگسدر و سروز سده حوجه، اعدام مسبار رسد. اسها سسند حلالدان سی خم و روشی که قدا شان اکثریت سگ حاشا سشان را بدسند می رسد. شهید روح انگیر دهقانی سال پیش سحر مخواه اشرف دهقانی بودن آرا مورث و سرورس اخراج شده بود. اراین شهید ۲ فرید ساسا سروزما ۱۳۰ ساله و (۱) سال سنا سماند.

اخبار...

شده اند و نزدیکان او در وضع بدی بسر میروند.

تبریز

■ به گفته مردمی از تبریز ماموری تا فرزند ۴ - ۳ ساله اش در خیابان راه می رفته، بچه میگفته درود سرتی صدر، مرگ سرتی بهشتی - که در این زمان پاسداری حلوی مادر را میگردد. مادر به عزولایه میا فتدو میگوید که او را تنبیه میکنم، اما با سسدار کلت را بیرون کشیده و کودک را میکشد (حدوث واقع روز ۷ بهمن ۸۳)

گرمشاهان

■ فریدون کنجیدی یکی از افراد سپاه پس از برکناری بنی صدر و درگیری های اخیر و مشا هده، جنایات سپاه، استعفا داد. ولی پس از چند روزی و چند نفر از دوستانش دستگیر و زندانی میشوند. طی درگیریهای اخیر تعداد زیادی حدود ۷۰ نفر از سپاه اخراج و یا استعفا داده اند.

اهواز

■ ۱۱ تیر ماه: یک پاسدار عرب که شاه اهدا عدام ۴ نفر از هواداران مجاهدین بود میگفت: "من برای انجام کاری به محل مرکزی سپاه در چهار شیر رفته بودم که دیدم آن چهار نفر را آوردند (ساعت ۴ بعد از ظهر چهار رشنه ۶۰/۴/۱۰) دستهای آنها را بسته بودند ولی آنها نگذاشتند چنانچه نشان را ببینند و در آخرین لحظه در حالی که همدیگر را مسوسیدند فریاد زدند: زنده باد مجاهدین. من از شدت تاثر آن شب نتوانستم شب بخورم".

■ در ۱۱ تیر ماه ۶ نفر از فرزندان کاروان تبریز را آن کردند: ۴ نفر از بچه های مجاهدین بودند، که گویا یکی از ایشان ۱۴ ساله بود. بیگدلی، برادرنا مزدا انتخاباتی مجاهدین در اهواز. ۲ نفر بچه های رزمندگان بودند که حدود ۸-۷ ماه پیش دستگیر شده بودند و یکی ۲ سال و دیگری ۳ سال حکم زندان گرفته بود. از این دو یکی کارگزار ضایع فولاد بود و عضو شورای قبلی ضایع فولاد اهواز و کارگر مبارزی بود. یک انگیزه اعدام نا جوان مردانه، این فرزندان شجاع خلق این بود که همزمان با تشدید جو مبارزاتی جامعه، بچه های زندان کاروان دست به یک مبارزه و مقاومت در برابر خواستهای زورگویان زنده اند. بان رژیم جمهوری اسلامی زده بودند. گفته میشود که بزودی حداقل ۱۰ تن دیگر از دلیران زندانی را اعدام خواهند کرد.

گجساران

■ در هفته اول خرداد ۱۶ نفر از سپاه پاسداران و جهاد سازندگی شهرستان گجساران استعفا داده بودند. ■ شنبه ۶ تیر ماه: در شرکت نفت اطلاعاتی ای پخش میشود مبنی بر اینکه دادن رتبه یا درجه شغلی به کارکنان شرکت نفت سرتی مبنای تخمین کاری و مهارت در کار نیست، بلکه معیار مکتبی بودن است. از جمله شرکت در نماز ظهر در اداره، شرکت در نماز جمعه و برنا مه ها بشی که از طرف انجمن معلوم الحال اسلامی ترتیب داده میشود.

مهاباد

■ ۶۰/۴/۲ - ساعت ۶ بعد از ظهر این روز جاش معروف خالد براقی، همراه دوشن پاسدار در خیابان زندتور شد، اتومبیل آنان به آتش کشیده شد. در جریان این درگیری دوشن، یک مرد و یک دختر دانش آموز نیز کشته شدند. مردم بقدری از جاش مزبور متنفر بودند که هنگام ترور شد و هنوز زنده بود با پاره آجر و چاقو حمله اش افتاده بودند. دیگران مسئولیت این عملیات را بعهده گرفت.

■ ۶۰/۴/۳ - ساعت ۱۲ ظهر پاسداران مردم و کارمندان ادارات را به زور سر نیزه و ادا ربه شرکت در مراسم تشییع (در صفحه ۳۰)

■ مادریکی از مجاهدین برای گرفتن جسد فرزندش، که جزء گروه ۱۰ نفر شهیدان اعدام شده هفته اول این ماه بود، مراجعه میکند. به او میگویند که در مقابل ۱۰۰۰۰۰ (ده هزار) تومان پول و یک جعبه شیرینی حاضریم جسد را تحویل بدهیم.

■ طبق خبری که موجود است حکومت کودتای اسلامی فهرست زندانیان سیاسی زمان شاه را از بایگانی های با واک برداشته و پس از برداشتن مشخصات، به خانه هایی که متعلق به آنان موجود و یا قابل دسترسی است حمله کرده میشود. در این میان بهزاد نسوی فهرست مخصوصی دارد که بر اساس آن عمل میکند. بهزاد نسوی که خودش چندی زندانی سیاسی بوده با بسیاری از افراد بالای جریان های سیاسی آشنائی کامل دارد و به خاطر کینه ای که از زندانیان سیاسی سابق دارد (بخاطر کم محلی که در زندان به او میکرده اند احساس حقارت دارد) تعریف میکنند که تا میبرده در زندانهای زمان شاه معدوم نمیداد احساس مهندسی میکرد و در سلول با شلوار کوتاه میگشته و به همین علت از طرف سایرین توهین با و نمیشد) با جدیدت دنبال این قضیه است.

■ برخی ماشین های جاسوسی پاسداران (با ناممطلاح حزب اله):

تویوتای قهوه ای	تهران ۲۲	۲۸۹۵۴
پیکان صورتی	تهران	۳۶۶۹۷
پیکان سبزرنگ	تهران	۱۳۹۱۷
بنز سفید	تهران	۵۲۸۲۶
اسنیشن آبی رنگ (ماشین ستاد عملیاتی منطقه ۹)	تهران	۴۴۴۱۲
تویوتا خاکستری	تهران	۶۸۸۸۲
پیکان سفید	تهران	۹۳۹۲۶

بابل

■ (تاریخ نگارش غیره ۱۶ تیر ماه): مهدی یگانگی یکی شهدای اخیر در بابل که حدود ۸ - ۷ روز قبل نامش را از داد و ستد اعلام کردند در حقیقت ۱۰ روز قبل از اعلام نامش به شهیدان رسیده بود. با این ترتیب که او که از هواداران مجاهدین بوده چند روزی در خانه خویشاوندانش مخفی میشود و یک روز که به دلیل از خانه بیرون میاید پاسداران او را شناسائی کرده و ایست میدهند. او فرار میکند و به خانه ای که درش باز بوده پناه میبرد ولی صاحبخانه نا جوان مردانه او را راه نمی دهد. پاسدار میرسد او را میزند. چند روز کش مکش داشته اند که جسد او را تحویل بگیرند که میگویند در بابل نباید دفن شود و باید در فلان ده (که چاقو را هم در آنجا زدند) دفن گردد. در مراسم تدفین او پاسداران و خواهران زینب به بهانه ای بیخودی به سرتی خویشاوندان و خانواده او میریزند و جاسوسی آنها را لنت و پارس میکنند و جواهرات آنها را هم زدست و گردنشان با زگردهومی - برند. سه چهار روز بعد چاقو را و پاسداران نبش قبر میکنند. جسد او را در میاورند، طنابی به گردنش میبندند و او را در قبرستان و کوجه ها میکشند، چشمش را با چاقو در میاورند و صورتش را با کلنگ داغان میکنند و دوباره به سردخانه میبرند و اینیسار میگویند که اصلا این کار نباشد در قبرستان منلما نباید دفن شود و باید در بهائی محله چال شود. ... پدر و مادر وی روانسوسی